

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۵ می ۲۰۲۲

ادامه "دمبک زدن گلبدین" به طالب!

شنبه- ۲۴ ثور ۱۴۰۱ - کابل: در یادداشت امروز مکث کوتاهی داریم در باب سخنان روز گذشته "گلبدین" که گویا به جای "خطبه نماز جمعه" مطرح نمود. "گلبدین" در این خطبه، به مانند همیشه از جهل و جبن مستمعانش سوءاستفاده نموده، ضمن آن که در درگیری ها و کشت و کشتار ولایات پنجشیر، تخار و ولسوالی اندارب ولایت بغلان، مخالفان طالب را "شرارت پیشه" و "نوکر و جاسوس" امپریالیسم معرفی نمود، تلویحاً جواز شرعی جهت کشتار مردمان آن دیار را نیز صادر نمود.

۱- در تاریخ ۶ دهه اخیر که اوضاع بحرانی و جنگ های دوامدار در افغانستان، چلوصاف همه را از آب بیرون کشیده و اکثریت خائیان، وطنفروشان و جنایتکاران را افشاء نموده، می توان به جرأت نوشت که "گلبدین" در وطنفروشی، جنایت و خیانت اگر بر تر از رقبایش نباشد، به هیچ صورت کمتر از سایرین نمی باشد. از همین رو به هر اندازه که در مورد این وطنفروش سفاک گفته و نوشته شود، باز هم می باید بر آن افزود تا مردم در دامش اسیر نگردند. دوستانی که در دهه های قبل در پاکستان رفت و آمد داشتند و می گویند در همان آغاز فرار باند های اخوانی به پاکستان در زمان "داوود خان"، یک تن از "اربابان" پشتون تبار پاکستانی با قدرت در حکومت "بوتهو" از گلبدین دو سوال پرسید:

۱- اول پشتون هستی یا مسلمان؟ گلبدین پاسخ داده بود: معلوم است که اول پشتون هستم.

۲- اول پشتون هستی یا افغان؟ پاسخ "گلبدین" باز هم تقدم پشتون بود

می گویند همان فرد مجدداً از "گلبدین" پرسید: اگر منافع و احکام افغانستان و اسلام با منفعت قوم پشتون و اسلام در تقابل قرار گیرند، انتخاب کدام یک برایت ارجحیت دارد، "گلبدین" بدون مکث، پاسخ داده بود: معلومدار است که قومیت و پشتونوالی!.

همان منابع می گویند ارباب پرسنده، با شنیدن این پاسخها از بین تمام اخوانی های فراری، وی را به "آی. اس. آی." به مثابه لایقترین فرد برای یک حمایت دوامدار معرفی نموده گفت: " ما می توانیم در پناه پشتونخواهی، هم وحدت افغانستان را به وسیله وی از بین ببریم و هم اسلام را".

۲- جنگ و درگیری های مسلحانه ای را که همین اکنون در ولایات یاد شده وجود دارد، از موضع یک افغان که عاشق وحدت ملی، تمامیت ارضی و رفاه اجتماعی مردم افغانستان است، نباید بر حسب ترکیب قومی خوب و یا بد، انقلابی و

یا ضد انقلابی گفت، بلکه می باید طرفین جنگ را مستقل از ترکیب قومی افراد شان، بر مبنای برنامه کار و دورنمایی که برای افغانستان و مردم آن ترسیم می نمایند، خوب و یا بد گفت. از چنین منظری با جرأت می توان نوشت: هر دو طرف جنگ هم طالب و هم رقبایش تا فعلاً با هر نامی که برآمد نموده اند تا مغز استخوان ارتجاعی، قومگرا، عقب مانده و ضد منافع ملی کشور ما می باشند.

در نتیجه هر دو طرف جنگ و درگیری بر مبنای همان سیاست های ارتجاعی و ضد ملی که تعقیب می نمایند، ارتجاعی و ضد ملی بوده، و به همان سان که حاکمیت کنونی جز بدبختی ارمانی برای مردم ما نیاورده، پیروزی طرف مقابل نیز، ارمان بهتری با خود نخواهد آورد. این همان دور و تسلسل منحنی است که یک بار در دهه هفتاد هجری قرن گذشته تجربه نموده ایم و تکرار آن نیز نتیجه ای به جز بدبختی، ویرانی و مرگ و کشتار نخواهد آورد.

۳- گذشته از آن وقتی فردی از موضع یک مسلمان در مراسم رسمی اسلامی و آنهم نماز عبادی- سیاسی جمعه خطبه می خواند می باید خطبه اش کاملاً مطابق به آیات قرآن باشد نه این که با کلام خود قرآن را نفی نماید: قرآن در باب منازعه بین "مؤمنون" بسیار صریح می گوید: "إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ ۗ وَاتَّقُوا" از آن جایی که طرفین منازعه تا هنوز بر اسلامیت و ایمان خودها پافشاری دارند، لذا بر خطیب نماز جمعه فرض می گردد تا طرفین را به حل منازعه دعوت نماید نه این که با تأیید یکی و تکذیب دیگری، آتش بیار معرکه گردد.

این نکته زمانی از اهمیت خاصی برخوردار می گردد که گزارشات رسانه ها صحت داشته باشند. یعنی نیروهای طالب جهت انتقام گیری و تجرید مخالفان مسلح دست به کشتار مردم عوام زده باشند.

۴- و اما این که "گلبدین" بعد از سالها جنایت و خیانت چرا باز هم در هر جایی که شری باشد می خواهد از آن طرفداری نماید، اگر از اعتیاد این انسان کثیف به خون و خون ریزی بگذریم، عمدتاً دو عامل می تواند دخیل باشد:

*- به خاطر راه یافتن به دم و دستگاه طالب، این چنین رذیلانه بر کشتار مردم توسط طالب صحنه گذاشته، به مانند سگی که برای صاحبش دمبک می زند، خوشرقصی نموده قوله سر داده است؛

*- "آی. اس. آی." و حاکمیت جدید پاکستان به وی دستور داده اند، تا بر آتش نفاق و شقاق در افغانستان هیزم برده، جنگها و درگیری ها را در افغانستان دوامدار بسازد.

هموطنان گرامی!

در این که طلب یک نیروی مزدور، ارتجاعی و ضد ملی است هیچ جای شکی نیست، همچنان در این که مخالفان مسلح کنونی طالب با هر نامی که برآمد نموده اند آنها نیز مزدور، ارتجاعی و ضد ملی اند، باز هم شکی وجود ندارد، در نتیجه جنگ هر دو طرف ارتجاعی و ضد ملی بوده، شرکت و حمایت از طرفین جنگ، شرکت در برادر کشی و خیانت به وحدت ملی و رفاه آینده مردم ما می باشد.

نیروهای ملی و انقلابی هرگاه به این توانائی برسند که مسلحانه سیاست های شان را به کرسی بنشانند، می باید آمادگی داشته باشند تا در زیر آتش متقاطع هر دو طرف جنگ، درفش پر افتخار آزادی ملی و ترقی اجتماعی را بر فراز برج و باروی برجای مانده از ارتجاع و امپریالیسم برافرازند.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!